



روزهای روشن

ای میهن خوب و عزیزم!
مهر تو را در سینه دارم
تو سایه بان و سرپناهی
در باغ سبز روزگارم

من در کنارت لحظه لحظه
سرشارم از شور شکفتن
با من بگو ای سرزمینم!
از روزهای شاد و روشن

در هر کجا آلاله هایت
لبریز از عطر خدایند
با یاد و نام خوب آن‌ها
دل‌ها همیشه آشنایند

من دوست دارم با تلاشم
آینده‌ای زیبا بسازم
از ناامیدی دور باشم
با قطره‌ها دریا بسازم

عشق تو پابر جاست در دل
خون تو جاری در تن من
دور از تمام ناخوشی‌ها
پاینده باشی میهن من!

• محبوبه صمصام شریعت

آبشار باران

پشت دریچه گلدان، گل داد
زیباتر از هزاران، گل داد

پرواز کرد زاغ شب از باغ
یاس سپیده خندان گل داد

ناگاه نرم و ناز گیاهی
از قلب سفت سیمان گل داد

سیبی که در حیاط، پدر کاشت
باشادی فراوان، گل داد

هر بوته شمعدانی مادر
در رنگ‌های رخشان، گل داد

پیچک به پای پنجره پیچید
از خانه تا خیابان گل داد

از نو، نهال سبز خیالت
در آبشار باران گل داد

• بابک نیک طلب

غنچه های خندان

آفتاب مهربان
با هواپیما رسید
روی ابر تن سیاه
خط نورانی کشید

برف‌ها را آب کرد
خنده‌اش در آسمان
شد امام باغ گل
آفتاب مهربان

غنچه‌ها خندان شدند
گل سر و سامان گرفت
پیش پای آفتاب
خاک میهن جان گرفت

• مسعود طاهری عضد



برف و گلدان

بارید برف و برف
گلدان سفید شد
از چشم پنجره
گل ناپدید شد

گل در حیاط ما
یک اتفاق بود
در روز برف، کاش
توی اتاق بود

گل را صدا بزن
خورشید مهربان!
یک ذره بیش تر
در آسمان بمان

• مهدی مرادی

صدای آب

میان چشم‌هایت
دو چکّه آفتاب است
صدای مهربانت
«صدای پای آب است»

نگاه کن، نگاهت
به شرحی جنوب است
بخند تا همیشه
که خنده‌ی تو خوب است

من از تو جان گرفتم
بمان کنار من باش
پدر! نشو زمستان
فقط بهار من باش

• سعیده موسوی زاده

تصویرگر: نسترن عنبری



شاعرها چگونه شعر می‌خوانند؟ اگر می‌خواهی یاد بگیری از اینجا گوش کن.